

ناسیونالیسم و هویت ملی در اندیشه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای

اصغر افتخاری^۱
علیرضا اسدی^۲
ابراهیم نزهت^۳

چکیده

در این مقاله برآنیم تا به تبیین دیدگاه مقام معظم رهبری، درباره هویت ملی و ناسیونالیسم بپردازیم. لذا ابتدا به بررسی دیدگاه ایشان درباره ملیت و قومیت پرداخته و سپس ناسیونالیسم و هویت ملی و ارکان و عناصر تشکیل دهنده هویت ملی را در اندیشه ایشان مورد تحلیل و بررسی قرار می‌دهیم. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، برای همه مسلمانان جهان علاوه بر هویت ملی و فرقه‌ای، هویتی کلان‌تر و فراملیتی، به نام امت اسلامی نیز قائلند و بر حفظ وحدت امت اسلامی تاکید می‌کنند. لذا از دیدگاه ایشان به تبیین رابطه هویت‌های ملی و قومی با هویت اسلامی نیز می‌پردازیم. همچنین در این مقاله از دیدگاه ایشان به نقش و هدف استکبار در سلب هویت ملت‌ها و ایجاد اختلاف در جهان اسلام و راه علاج این نابسامانی‌ها اشاره می‌کنیم. این پژوهش با روش تحلیل محتوای کیفی و با استفاده از نرم‌افزارهای «MAXQDA 10» و «حدیث ولایت» انجام شده است. جامعه آماری ما مجموعه بیانات و پیام‌های منتشر شده مقام معظم رهبری از خردادماه ۱۳۶۸ تا شهریورماه ۱۳۹۲ بوده است.

کلیدواژه‌ها: آیت‌الله خامنه‌ای، هویت ملی، ناسیونالیسم، عزت ملی، امت اسلامی، قومیت.

Email: eftekhariag@gmail.com

۱- دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه امام صادق

Email: asadi5@ut.ac.ir

۲- دانشجوی دکتری مدرسی معارف اسلامی دانشگاه تهران (نویسنده مسئول)

Email: enozhat@ut.ac.ir

۳- استادیار دانشگاه تهران

تاریخ پذیرش: ۹۳/۴/۲۳

تاریخ دریافت: ۹۳/۲/۱۶

مقدمه

از دیرباز، انسان به دنبال تعریف و شناسایی خویش و نیز کشف تمایزات خود از دیگران بوده است. افراد و گروه‌های اجتماعی کوشیده اند برای شناسایی خود و تبیین تمایزاتشان با دیگران، نشان دهند که به چه جامعه‌ای و چه ارزش‌هایی تعلق دارند. یکی از تحولاتی که پس از رنسانس و مدرنیته شکل گرفت، پیدایی واحدهای سیاسی جدید، با عنوان «دولت‌های ملی» بود که ساخت‌های سیاسی پیشین را با بحران روبه‌رو کرد و موجب شکل‌گیری مفهوم جدیدی از هویت جمعی، به نام «هویت ملی» شد. از این جا بود که بحث هویت به‌عنوان مبحثی فرهنگی - اجتماعی، موضوعیت یافت؛ به‌گونه‌ای که در دهه‌های اخیر، جنبه‌ای خاص پیدا کرده و وارد حوزه علوم سیاسی و جامعه‌شناسی شده است. هم اکنون نیز مقوله هویت به عنوان شاخص اصلی جریان‌های گوناگون سیاسی و اجتماعی مطرح است و می‌توان آن را دغدغه نخست گروه‌های مختلف (اعم از ملی و یا فراملی و خرده ملی) ارزیابی نمود (نک. افتخاری ۱۳۸۳: ۹۹-۱۰۲).

بر این اساس پرسش از کیستی و هویت یکی از مسایل اصلی فلسفه سیاسی در طول تاریخ به‌شمار می‌رود که متفکران از زوایای متفاوت با این پرسش مواجه شده و پاسخ‌های متفاوتی به آن داده‌اند. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای از جمله اندیشمندی هستند که در بیانات خود به موضوع هویت ملی از ابعاد مختلف اشاره کرده‌اند. از آن جا که نظرات و اندیشه‌های ایشان به‌عنوان رهبر جمهوری اسلامی ایران و یکی از متفکرین جهان اسلام حائز اهمیت است، در این نوشتار تلاش شده تا هویت ملی و ارکان و عناصر تشکیل‌دهنده آن در ارتباط با موضوع ناسیونالیسم، تحلیل و تبیین شود.

این پژوهش با روش توصیفی- تحلیلی انجام شده و با استفاده از بانک‌های اطلاعاتی ای چون «حدیث ولایت» سعی شده محورهای اصلی محتوای اندیشه مقام معظم رهبری در مدخل‌های هویت و ناسیونالیسم، استخراج، کد گذاری، تحلیل و در قالبی منسجم ارائه گردد. جامعه آماری محققان در این نوشتار، مجموعه بیانات و پیام‌های منتشر شده مقام معظم رهبری از خرداد ماه ۱۳۶۸ تا شهریور ماه ۳۹۲ بوده است.

۱. مباحث مفهومی و نظری

از آنجا که مباحث مفهومی چارچوب ذهنی و خطوط راهنمای تحلیل‌های نظری را شکل می‌دهد، لازم است تا نخست مهم‌ترین مفاهیم بحث، تبیین گردد:

۱-۱. هویت

الف. معنا

هویت از مباحث مهم علوم اجتماعی است و در رشته‌های گوناگون، نظیر جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، علوم سیاسی و روابط بین‌الملل از آن بهره‌برداری می‌شود. با این همه، پیشینه مطالعات مربوط به هویت ملی

چندان زیاد نیست. هویت ملی بیشتر در قرن بیستم وارد مباحث علوم اجتماعی شده (احمدی، ۱۳۸۸: ۴۰) و اهمیت نظری یافته است. در لغت‌نامه دهخدا هویت به معنای تشخیص (دهخدا، ۱۳۷۳، جلد ۱۴: ۲۰۸۶۶). در فرهنگ معین نیز هویت به هستی، وجود و آنچه موجب شناسایی شخص باشد، تعریف شده است (معین، ۱۳۶۳، جلد ۴: ۵۲۲۸). براین اساس می‌توان اظهار داشت که: هویت، شناختن و شناساندن است و دو وجه دارد: یکی شناخت خود در ارتباط با چیزی؛ و دیگری شناساندن خود براساس آن چیز به دیگران (افتخاری، ۱۳۸۳: ۱۰۳). این خویشتن شناسی براساس یک پدیده بیرونی استوار است که ممکن است سرزمین، نژاد، تاریخ، مذهب یا خانواده باشد (احمدی، ۱۳۸۶: ۱۶۶). در مجموع هویت آن بخش از عناصر اصلی شخصیت انسان است که به دنبال عینیت پیدا کردن آن، فرد قادر می‌شود موضع خود را در برخورد با جهان و دیگران و خویشتن به صورت شایسته مشخص نماید (فوزی، ۱۳۸۵: ۱۹-۲۰). به همین دلیل است که می‌توان ادعا نمود: درنهایت «خود» چیزی جز سبک زندگی هر فرد نیست (زهیری، ۱۳۸۹: ۳۹).

مهمترین کارکرد هویت، ایجاد پیوستگی و همانندی است. در تحقق این امر، دو عنصر دخالت دارد: تعریف ما از خود و دیگری (افتخاری، ۱۳۸۳: ۱۰۱-۱۰۰). هویت در هر سطحی در مقابل غیر مطرح می‌شود. بنابراین، هویت وجه تمایز بین «من» یا «ما» با «غیر» و «دیگری» است و احساسی است که تعلق فرد را به یک کشور، جامعه و مجموعه خاص نشان می‌دهد (افروغ، ۱۳۸۰: ۴۶). جنکینز نیز با اشاره به ریشه لاتینی لغت هویت معتقد است مفهوم هویت به طور هم‌زمان میان افراد یا اشیاء، دو نسبت محتمل برقرار می‌سازد: از یک طرف شباهت و از طرف دیگر تفاوت (جنکینز، ۱۳۸۱: ۵).

ب. نظریه

در مقام تحلیل هویت، سه رویکرد اجتماعی اصلی وجود دارد که عبارتند از (نک. تاجیک، ۱۳۷۹: ۱۷-۱۸ و زهیری، ۱۳۸۹: ۶۱-۶۵):

اول. جوهرگرایی: عده‌ای دارای دیدگاه ماهیت‌گرا هستند و برای هویت‌ها جوهری ثابت قائل هستند.

دوم. ساختارگرایی اجتماعی: بر این اساس هویت، ساخته و پرداخته شرایط اجتماعی انسان‌هاست.

سوم. گفتمانی: طبق این رویکرد هویت‌ها، دستاورد گفتمان‌ها هستند؛ «واقعیات» وجودی خارج از گفتمان‌ها ندارد و در گفتمان‌ها معنا می‌یابند.

در نوشتار حاضر با توجه به دیدگاه چندبعدی ارایه شده به هویت از سوی مقام معظم رهبری، رویکرد

گفتمانی مدنظر می‌باشد.

۱-۲. هویت ملی

الف. معنا

اگر از بعد جامعه‌شناختی افرادی را که در یک قلمرو مشخص و با حاکمیتی معین زندگی می‌کنند یک جامعه به حساب آوریم، هویت ملی عبارت است از: احساس تعلق و تعهد اعضای آن جامعه به نمادهای فرهنگی شامل هنجارها، ارزش‌ها، زبان، دین، ادبیات و میراث تاریخی؛ در نتیجه موجب تمایز آن از دیگر جوامع و همچنین انسجام و همبستگی اجتماع بزرگ ملی می‌شود. بنابراین هویت ملی مفهومی دو وجهی است که همزمان بر تمایز، تشابه، افتراق و اشتراک دلالت دارد. لذا از یک سو با تاکید بر مشترکات و ملاک‌های پیوند دهنده، «ما» را پیرامون محوری واحد، همبسته، متحد و متعهد می‌سازد و از سوی دیگر «ما» را از «دیگران» باز می‌شناساند (میرمحمدی، ۱۳۸۳: ۸).

هویت ملی هم می‌تواند نیرویی سازنده باشد و هم می‌تواند در صورت افراط یا تفریط، به نیرویی ویرانگر مبدل شود. احساس هویت ملی اگر در حد معقول و معتدل قرار گیرد می‌تواند نیرویی برای همیاری و اعتلای فرهنگی باشد و اگر به قلمرو تعصبات ملی، قومی و نژادی وارد شود یا به بهانه چالش با تعصبات قومی به نفی و انکار و تمسخر میراث فرهنگی خویش بنشیند؛ نیرویی منفی خواهد شد (اشرف، ۱۳۸۳: ۱۳۵).

ب. نظریه

عموم اندیشمندان علوم سیاسی و اجتماعی معمولاً عنصر ویژه‌ای از عناصر تشکیل دهنده هویت ملی را برجسته ساخته و به عنوان رویکردی مستقل مطرح می‌سازند. محققان حوزه جغرافیا «سرزمین مشترک» و «تاریخ مشترک»؛ صاحب نظران علوم اجتماعی «زبان مشترک» و «دین مشترک»؛ و عالمان علوم سیاسی بر «ساختار سیاسی مشترک» و «یا» ملیت» تاکید داشته‌اند. براین اساس مشخص می‌شود که هویت پدیده‌ای مرکب از عناصر سخت افزارانه و نرم افزارانه‌ای چون فرهنگ است (مجتهدزاده، ۱۳۷۷، ۱۲۵).

اشرف معتقد است در علوم انسانی نظر غالب آن است که عوامل و عناصر اصلی هویت، زبان، دین و سرزمین مشترک است (اشرف، ۱۳۸۳: ۱۳۸-۱۳۹). اما احمدی علاوه بر این عناصر، بر مولفه‌های سیاستی و حاکمیتی نیز تاکید دارد (احمدی، ۱۳۸۸: ۱۶۶-۱۶۷). در هر صورت، عناصر هویت در واقع آنهایی‌اند که فرد را به مجموعه وسیع‌تری به نام ملت یا ملیت متصل می‌کنند. ملیت شکلی از احساس مشترک برآمده از شور و شوق، صمیمیت و شکوه خاص مربوط به میهن است. پس می‌توان گفت اولین عنصر هویت آگاهی و دومین عنصر آن علاقه مندی به مجموعه‌ای است که او به آن تعلق دارد؛ مانند زبن و فرهنگ مشترک، نیای تاریخی، دین و ارزش‌های قدسی و میراث سیاسی و اجتماعی مشترک (احمدی، ۱۳۸۸: ۷۶-۸۳؛ زهیری، ۱۳۸۹: ۵۰).

۲. خطوط راهنمای اندیشه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در موضوع ناسیونالیسم

برای بررسی هویت ملی از دیدگاه مقام معظم رهبری، ضروری است نخست به تبیین خطوط راهنمای دیدگاه ایشان در موضوع «ناسیونالیسم» بپردازیم؛ زیرا بحث از هویت ملی فرع بر پذیرش ملیت به‌عنوان یک سطح تحلیل است.

۱-۲. شناخت ملیت

مقام معظم رهبری ملت را به‌عنوان یک مجموعه واحد و یکی از سطوح هویت جمعی مطرح می‌نماید و حتی در ابعاد مختلف آن ارایه نظر کرده‌اند. در دیدگاه ایشان، ملت اگرچه از اجتماع افراد شکل می‌گیرد اما کلیتی متمایز از افراد هم دارد. هر ملت به صورت مستقل دارای هویت، سرنوشت و تاریخ می‌باشد. لذا یک ملت می‌تواند با تقوا و یا بی‌تقوا باشد. تقوای عمومی یا تقوای ملت، غیر از تقوای خصوصی یک‌یک افراد است (بیانات، ۱۳۶۹/۰۶/۲۹). همچنین ملت نیز مانند یک فرد در سختی‌ها و لحظات حساس دچار امتحان می‌شود (بیانات، ۱۳۶۹/۰۶/۰۴). حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با استناد به آیه شریفه «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ بَقْوِمَ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ»^۱ این معنا را تبیین نموده و نشان می‌دهند که هویت فرافردی جوامع انسانی نباید نادیده انگاشته شود (بیانات، ۱۳۸۵/۰۸/۱۸):

«اراده‌ی خدای متعال به نفع یک ملت، تابع اراده‌ی آن ملت است. هیچ حقیقت و واقعیتی در متن زندگی یک ملت به اراده‌ی الهی تغییر پیدا نمی‌کند؛ مگر وقتی که خود آن ملت بر آن همت بگمارد.» (بیانات، ۱۳۷۹/۰۷/۰۶)

البته ایشان نوعی خاص از ملیت را محترم می‌دانند؛ ملیتی که موجب نفی ملل و اقوام دیگر نشود (بیانات، ۱۳۸۰/۸/۱۲). در واقع ایشان براساس گرایش‌های منفی و مثبت در بحث ملی‌گرایی، دو نوع ناسیونالیسم را مطرح می‌کنند؛ ناسیونالیسم منفی و ناسیونالیسم مثبت (بیانات، ۱۳۶۹/۰۱/۲۶).

۲-۲. گونه‌های ناسیونالیسم

الف. ناسیونالیسم منفی

در ناسیونالیسم منفی وابستگی و علاقه به خود و جماعت خودی، همراه با گرایش‌های منفی و نفی دیگران است؛ یعنی اثبات وابستگی فرد به یک ملت، او را در مقابل خانواده‌ی جهانی اش قرار می‌دهد. لذا بایستی علیه همه‌ی ملت‌های دیگر توطئه کرده و بدخواه آنان باشد. معمولاً وقتی که گرایش ناسیونالیستی در یک جمع، افراطی و قوی شود به سمت نفی دیگران سوق پیدا می‌کنند (بیانات، ۱۳۶۹/۱/۲۶ و ۱۳۸۱/۹/۲۶). در ناسیونالیسم منفی، افراد دچار افراط در علاقه به قوم و ملت خویش می‌شوند که یک نوع مرض دل است (بیانات، ۱۳۷۷/۷/۲۶). ملت‌ها همچنین دچار تنافس و تفاخر نژادی می‌شوند و تلاش می‌-

۱- «در حقیقت، خدا حال قومی را تغییر نمی‌دهد تا آن‌ان حال خود را تغییر دهند.» سوره مبارکه رعد- آیه شریفه ۱۳ (ترجمه محمد مهدی فولادوند)

کنند با تکیه بر نژاد و ناسیونالیسم، برتری خود را اثبات کنند و با تکیه به این گرایش‌های نژادی دور خودشان حصار می‌کشند. این تفاخر، به جنگ‌های بین‌المللی و خونریزی‌ها و خرج‌های کلان و نابودکردن حقوق دیگران هم کشیده می‌شود (بیانات، ۱۳۷۰/۴/۱۸).

در اندیشه مقام معظم رهبری این نوع ناسیونالیسم ناقص و مطرود بوده و شدیداً رد می‌شود (بیانات، ۱۳۶۹/۰۱/۲۶ و ۱۳۸۱/۰۹/۲۶). ایشان علت علاقه برخی ملت‌ها به ناسیونالیسم‌های افراطی را، حذف دین و نداشتن نظام ارزشی اسلامی می‌دانند و تأکید می‌کنند: ناسیونالیسم ممکن است برای یک ملت به طور موقت، احساس غرور و شور و نشاط به وجود بیاورد، اما موجب نابودی انسان‌ها می‌شود. امروزه کشورهای از لحاظ مادی مترقی، هنوز گرفتار جنگ نژادی و اختلاف‌های قومیتی از ناحیه دلبستگی به این نوع از ناسیونالیسم هستند (بیانات، ۱۳۶۹/۱۱/۲۴ و ۱۳۷۱/۶/۲۴).

ب. ناسیونالیسم مثبت

در ناسیونالیسم مثبت، فرد خود را وابسته به کشور و ملتی خاص می‌دان و به میهن خود علاقه دارد، اما ملل و قوام دیگر را نفی نمی‌کند و به حقوق آنها نیز احترام می‌گذارد به عبارت دیگر فرد از ملیت و وابستگی خود احساس عزت و افتخار می‌کند و دارای اعتماد به نفس است (بیانات، ۸۱/۹/۲۶ و ۱۳۶۹/۱/۲۶) اما این افتخار ریشه در نفی دیگران ندارد. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای نه تنها ناسیونالیسم مثبت را بد نمی‌داند بلکه چنین ملیتی را محترم دانسته (بیانات، ۱۳۸۰/۸/۱۲) و می‌فرماید:

«ما ناسیونالیسم را به معنای مثبتش قبول داریم. هرکس باید به میهن خودش علاقه داشته باشد. مگر می‌شود کسی از میهن خودش دور باشد؟ ناسیونالیسم به این معنا چیز خوبی است (بیانات، ۱۳۶۹/۰۱/۲۶) ... البته این با ملی‌گرایی ناقص، همان ناسیونالیسم منفی مطرودی که ما همیشه آن را رد می‌کردیم، نباید اشتباه شود؛ این ناسیونالیسم مثبت است؛ این ملی‌گرایی به معنای خوب قضیه است؛ ما به این احتیاج داریم» (بیانات، ۸۱/۰۹/۲۶)

ایشان به هیچ وجه گرایش‌های قومی و ملی را اگر منجر به نفی دیگران شود، نمی‌پذیرند و حتی گرایش به اسلام و ایمان را نیز جوازی برای نفی دیگران نمی‌دانند (بیانات، ۱۳۸۵/۰۳/۲۹).

۲-۳. تحلیل ناسیونالیسم

یکی از آثار ویرانگر ناسیونالیسم منفی، ایجاد تفرقه از ناحیه تقویت گرایش‌های طایفه‌ای، قومی و ملیتی است. به همین علت مقام معظم رهبری تأکید زیادی دارند که در راهبرد مواجهه با ناسیونالیسم باید این مطلب حتماً مورد توجه قرارگیرد (۱۳۶۹/۰۱/۲۶ و ۱۳۷۱/۰۶/۲۴). ایشان معتقدند از آغاز ورود استعمار اروپایی به کشورهای اسلامی، یکی از سیاست‌های استعمارگران برای تسلط بر ملل مسلمان، ایجاد تفرقه میان مسلمین و جلوگیری از اتحاد آنان بوده است (بیانات، ۱۳۷۲/۰۲/۲۸)، و در این راه استفاده از ابزار

ناسیونالیسم نمود بسیار دارد. بزعم معظم له، توطئه‌ها و روش‌های دشمنان جهان اسلام برای ایجاد تفرقه در جهان اسلام عبارتند از:

اول. تشدید احساسات و تقسیم‌بندی‌های قومی (بیانات، ۱۳۶۹/۱۱/۲۴ و ۱۳۸۰/۰۲/۰۴).
دوم. ایجاد و تشدید اختلافات فرقه‌یی و دامن زدن به اختلافات شیعه و سنی (۱۳۸۷/۱۲/۲۵).
سوم. استفاده از عناصر داخلی نفوذی و یا کج‌فهم (مکتوبات، ۱۳۷۲/۰۲/۲۸).
چهارم. ایجاد حکومت‌های فاسد و دست‌نشانده (بیانات، ۱۳۶۸/۰۴/۲۲ و ۱۳۶۸/۰۴/۲۳).
پنجم. ایجاد سوءظن بین دولت‌ها و ملت‌های اسلامی و بی‌اعتماد کردن آن‌ها نسبت به یکدیگر (بیانات، ۱۳۷۵/۱۱/۲۱ و ۱۳۸۷/۰۲/۱۹).

ششم. غصب فلسطین و تأسیس رژیم صهیونیستی (بیانات، ۱۳۷۹/۱۰/۰۷).
هفتم. از بین بردن شعارهای وحدت آفرین امت اسلام (بیانات، ۱۳۷۵/۱۱/۲۱).
مقام معظم رهبری این گسیختگی دنیای اسلام را که به دلیل احساسات ناسیونالیستی یا احساسات فرقه‌ای بین شیعه و سنی رخ نموده، تجربه ای بسیار تلخ ارزیابی نموده و از دردهای بزرگ امت اسلامی می‌داند (بیانات، ۱۳۷۳/۱۲/۱۱). ایشان همچنین اندیشه «تقویت ناسیونالیسم برای مبارزه با استکبار» را تفکر غلطی دانسته و معتقدند امروز سیاست استعماری، خیلی دقیق‌تر از آن است اجازه دهد با حس ناسیونالیسم مردم را علیه آنها تحریک کنند. آنها حتی از این حس در خدمت خود استفاده خواهند کرد: «قومیت عربی، یک نمونه است. آیا قومیت عربی در مقابل امریکا خواهد ایستاد، یا در خدمت امریکاست و به نفع آن‌ها به کار خواهد رفت؟» (بیانات، ۱۳۷۰/۰۶/۲۵).

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای معتقدند در مقابل این امپراتوری واحد استکباری، هیچ گرایش فکری‌ای غیر از اسلام باقی نمانده است. ایشان با اشاره به اینکه بشریت هنوز گرفتار اختلاف و جنگ‌های نژادی است، تأکید می‌کنند: امروز هم بشر محتاج ندای وحدت، توحید و عدل اسلام است (بیانات، ۱۳۷۱/۰۶/۲۴ و ۱۳۷۰/۰۶/۲۵)؛ ندایی که می‌تواند به شکل پایداری آسیب‌های ناشی از ناسیونالیسم منفی پیشنهادی استکبار را مدیریت نماید. از این منظر می‌توان ناسیونالیسم منفی را به عنوان رکن اصلی و راهبردی ایجاد تفرقه در جهان اسلام توسط دشمنان ارزیابی و معرفی نمود (نک. نمودار شماره ۱).



نمودار شماره ۱: روش‌های ایجاد تفرقه در جهان اسلام با تاکید بر نقش راهبردی و چند جانبه ناسیونالیسم منفی

۳. اسلام و ناسیونالیسم

مقام معظم رهبری، قومیت و نژاد را ملاک تعریف هویت نمی‌دانند و با استناد به آیه شریفه «ان اکرمکم عندالله اتقاکم» (قرآن کریم، سوره مبارکه حجرات، آیه شریفه ۱۳) معتقدند در نگاه اسلامی، بین نژادها و زبانهای مختلف تفاوتی نیست (بیانات، ۱۳۸۳/۰۲/۱۸ و ۱۳۷۱/۰۶/۲۴) و اختلافات قومیتی و ناسیونالیستی بکلی با دیدگاه اسلام منافات دارد. لذا باید از انگیزه‌های تفرقه‌ی بین انسان‌ها؛ مثل قومیت و نژاد و خون و رنگ پرهیز کرد (بیانات، ۱۳۸۸/۰۲/۲۲).

«اسلام با اختلافات نژادی مخالف است؛ هرگونه اختلافی، هر جا که باشد، برخلاف نظر اسلام و قرآن است؛ چه اختلافات سیاسی باشد، چه اختلافات قبیله‌ای باشد... ما اختلافات ناسیونالیستی را در سطح دنیا نمی‌کنیم» (بیانات، ۱۳۷۰/۵/۳۰)

با این توصیف مشخص می‌شود که ناسیونالیسم در دو رویکرد اصلی در اسلام تحلیل می‌شود.

۳-۱. رویکرد پسینی: موضع گیری اسلامی در قبال ناسیونالیسم

در این سطح تحلیل، اسلام به ناسیونالیسم به عنوان موضوعی نگاه می‌کند که حادث شده و در نتیجه لازم می‌آید تا در مقابل آن واکنشی (سلبی یا ایجابی) اتخاذ شود. در این سطح است که نظریه ناسیونالیسم مثبت و منفی ارایه می‌شود. وجود هویت‌های متفاوت قومی و نژادی از نظر اسلام به رسمیت شناخته می‌شود و پیوندهای قومی و خونی از نقاط قوت جوامع است. در اسلام ارتباط فامیلی و ارتباط با خویشاوندان و بستگان نسبی یک رویه‌ی پسندیده و صله‌ی رحم یکی از واجبات است (۱۳۸۷/۲/۱۵). اما ایشان این نوع ارتباط و پیوند را جنبه‌ی مثبت قوم‌گرایی و مورد تأیید اسلام دانسته و معتقدند جنبه‌ی منفی آن، یعنی تعصباتی که موجب نفی اقوام دیگر و درگیری بین گروه‌ها می‌شود، از نظر اسلام مورد قبول نیست و باید آن را کنار گذشت:

«پیوند و ارتباط و التیام خانوادگی و عشایری بسیار خوب است؛ اما نفی دیگران نباید کرد. برادری در اسلام، در میان همه‌ی مؤمنان گسترده است. «انکم من آدم و آدم من تراب»؛ پیامبر بزرگوار ما به آن‌هایی که می‌خواستند به نسبت‌های قبیله‌ای خودشان با چشم تعصب نگاه کنند و دیگران را نفی بکنند، با این زبان جواب داد. یعنی پیوند درون عشیره‌ای و قبیله‌ای بسیار خوب و بسیار امر پسندیده‌ای است؛ ارتباط و اتصال خانوادگی و فامیلی و رحم، یک نقطه‌ی مثبت است؛ اما نباید این را وسیله‌ای برای نفی کسانی که خارج از محدوده‌ی این خانواده و عشیره هستند، قرار داد» (۱۳۸۷/۰۲/۱۵).

البته در دیدگاه مقام معظم رهبری، به صرف بیان این نظریه بسنده نشده و افزون بر آن از تنوع اقوام به عنوان یک فرصت و نه تهدید، یاد شده است. فرصتی که در حوزه‌های زیر قابل شناسایی است:

اول. ایجاد استحکام هویتی

اجزاء گوناگون ملت می‌توانند با مراودات درست و با همزیستی و اتحاد از سنت‌ها، آداب، عادات و استعداد‌های گوناگون و متنوع، یکدیگر را تکمیل کنند (بیانات، ۱۳۸۸/۲/۲۲).

دوم. ایجاد رقابت مثبت

۱. رک: الکافی، ثقة الاسلام کلینی، ج ۸، ص ۲۴۶؛ بحار الأنوار، علامه مجلسی، ج ۴۸: ۳۰۵؛ صَعِدَ رَسُولُ اللَّهِ ص الْمَيْمَنَ يَوْمَ فَتْحِ مَكَّةَ فَقَالَ أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ اللَّهَ قَدْ أَذْهَبَ عَنْكُمْ نَجْوَةَ الْجَاهِلِيَّةِ وَ تَفَاخُرَهَا بِأَبَائِهَا أَلَا إِنَّكُمْ مِنْ آدَمَ ع وَ آدَمُ مِنْ طِينِ آلَا إِنَّ خَيْرَ عِبَادِ اللَّهِ عَبْدٌ أَتَقَاهُ إِنَّ الْعَرَبِيَّةَ لَيْسَتْ بِأَبٍ وَالِدٍ وَ لَكِنَّهَا لِسَانٌ نَاطِقٌ فَمَنْ قَصَرَ بِهِ عَمَلُهُ لَمْ يُبْلَغْ حَسَبُهُ أَلَا إِنَّ كُلَّ دَمٍ كَانَ فِي الْجَاهِلِيَّةِ أَوْ إِحْنَةً وَ الْأِخْنَةُ الشُّحْنَاءُ فَهِيَ تَحْتَ قَدَمِي هَذِهِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ

ترجمه: در روز فتح مکه رسول خدا (ص) به منبر رفت و فرمود: ای گروه مردم همانا خداوند نخوت و تکبر دوران جاهلیت و افتخار کردن پیدران را از میان شما برد، همانا شما همگی از آدم علیه السلام هستید، و آدم نیز از (خاک و) گل آفریده شده، هان براستی که بهترین بندگان خدا آن بنده‌ای است که از او بترسد، همانا عربی بودن (که مایه افتخار شما است) باین نیست که تولد از پدر عرب باشد بلکه به زبان گویای بحق (و شهادتین) است پس هر کس در عمل و کردار کوتاه باشد حسب (و نسب عربیت) او را بجائی نرساند، بدانید که هر خونی که در زمان جاهلیت بوده یا هر کینه‌ای (که در بین باشد) آنها در زیر پای من قرار دارد (و از بین رفته است) تا روز قیامت.

با ایجاد رقابت و مسابقه بین اقوام مختلف، در جهت آرمان‌های ملی و آرمان‌های اسلامی، گام‌های بلندی برداشته خواهد شد و استعداد‌های زیادی شکوفا خواهد شد (بیانات، ۱۳۸۸/۲/۲۷).

براین اساس می‌توان چنین ادعا نمود که در اسلام ناسیونالیسم مثبت به عنوان یک فرصت مد نظر است و وجود این گونه از اختلافات نه تنها تهدیدزا ارزیابی نمی‌شود بلکه به استحکام و تقویت هویت ملی هم می‌تواند کمک کند.

۳-۲. رویکرد پیشینی: طراحی نظریه امت اسلامی

در این رویکرد اسلام به صرف شرایط جاری در جهان اسلام نظر نداشته و از الگویی مترقی به نام امت سخن می‌گوید. اگرچه مقام معظم رهبری به انواع هویت‌های جمعی در جهان معاصر توجه دارند اما از آن‌جا که در اندیشه ایشان مؤلفه اساسی در ایجاد هویت، عناصر اعتقادی و فرهنگی هستند، ایشان برای همه مسلمانان جهان علاوه بر هویت ملی و فرقه‌ای، هویتی کلان‌تر و فراملیتی، به نام هویت دینی که با عنوان امت اسلامی شناسانده می‌شود، قائلند. امت واحدی بزرگ‌تر از ملت است که بر اساس آرمان‌ها و اهداف مشترک دنیای اسلام شکل می‌گیرد (بیانات، ۱۳۸۶/۹/۱۴)؛ سایر هویت‌ها نیز تا حدی مورد قبول اند که در تضاد با هویت اسلامی قرار نگیرد (بیانات، ۱۳۷۲/۱۲/۲۲ و ۱۳۷۱/۰۶/۲۴).

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با اشاره به آیه‌ی شریفه «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا» (قرآن کریم، سوره مبارکه آل عمران، آیه شریفه ۱۰۳)، تأکید می‌کنند که جهان اسلام باید اختلافات را کنار گذاشته و با هماهنگی و با تکیه بر نقاط مشترک، وحدت را تأمین کنند. البته از نظر ایشان وجود نقاط اختلافی طبیعی است اما وحدت با وجود همین اختلاف‌ها معنا و مفهوم می‌یابد (بیانات، ۱۳۶۸/۰۷/۲۸ و ۱۳۶۸/۰۷/۱۶). ایشان تأکید بر هویت‌های قومی و ملی را بزرگ‌ترین عامل تفرقه در جهان اسلام می‌دانند که باید از آن با تمسک به الگوی امت اسلامی، دوری جست (بیانات، ۱۳۸۷/۱۲/۲۵):

«وحدت بایستی براساس اسلام و اعتصام به حبل‌الله باشد، نه بر اساس موهومات و قومیت‌های پوچ و بی‌محتوا. قوام امت اسلامی به همین است» (بیانات، ۱۳۷۳/۶/۴).

ایشان اتحاد اسلامی را به معنای همدلی ملت‌ها و همکاری دولت‌ها می‌دانند و علت عدم اتحاد مسلمین را دولت‌هایی می‌دانند که به جای تضمین اتحاد امت اسلامی، دارای هدف‌های ملی‌گرایانه، کفرآلود و غیر اسلامی هستند (بیانات، ۱۳۸۷/۰۲/۱۹ و ۱۳۷۱/۰۳/۱۳). حضرت آیت‌الله خامنه‌ای جهت تبیین ضرورت اتحاد امت اسلامی دلایلی را ذکر می‌کنند که می‌توان این دلایل و ضروریات را به دو دسته کلی دلایل دینی و عقلی تقسیم کرد:

الف. تأکید اسلام بر وحدت

مقام معظم رهبری با استناد به آیه شریفه: «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَ لَا تَفَرَّقُوا» به این نکته مهم اشاره می‌کنند که اجتماع و وحدت بین امت اسلامی، از نظر اسلام این قدر حائز اهمیت است که حتی در اعتصام به حبل‌الله و چنگ زدن به ریسمان الهی که رابطه‌ای بین بنده و خداست و به نظر می‌رسد که

باید یک رابطه‌ی فردی باشد، قرآن می‌خواهد این کار را همه باهم و به شکل جمعی انجام دهند (بیانات، ۱۳۷۵/۱۱/۲۱).

ب. ضرورت‌های مدیریتی وحدت

عقل حکم می‌کند دولتهای اسلامی از این ذخیره و امکان و این جمعیت بزرگ یک میلیارد و چند صد میلیونی مسلمان، در مسائل گوناگون دنیای اسلام، استفاده‌ی مطلوب کنند؛ (بیانات، ۱۳۷۵/۱۱/۲۱) و اتحاد کلمه بر محور اسلام تنها راه، برای حفظ منافع ملت‌های اسلامی است؛ (بیانات، ۱۳۸۴/۶/۱۱) مقام معظم رهبری همچنین برخی از نتایج و آثار اتحاد اسلامی را ذکر می‌کنند که عبارتند از:

اول. ظاهر و آشکار شدن عظمت اسلام و ایجاد عزت و اقتدار در قالب امت اسلامی (بیانات، ۱۳۷۲/۱۲/۲۲ و پیام به حجاج، ۱۳۷۷/۰۱/۱۲).

دوم. اهداف و آرمان‌های مشترک دنیای اسلام زنده شده و تحقق پیدا می‌کند (۱۳۸۶/۹/۱۴).

سوم. غلبه مسلمانان بر همه‌ی ترفندهای تفرقه‌ساز، در ضمن اینکه هویت ملی و فرقه‌یی در بخش‌های گوناگون امت اسلامی حفظ می‌شود. قومیت‌ها به جای نفی و تحقیر یکدیگر، با تبادل استعدادها و تجربیات همدیگر را تقویت می‌کنند (پیام به حجاج، ۱۳۷۷/۰۱/۱۲ و ۱۳۷۰/۰۳/۲۶).

چهارم. غلبه بر دشمنان اسلام به‌ویژه قدرت‌های استکباری و بی‌نیاز شدن از وابستگی به بیگانگان: ایجاد شجاعت با احساس عزت و عظمت وحدت، (پیام به حجاج، ۱۳۷۰/۳/۲۶ و بیانات، ۱۳۶۸/۰۴/۱۱ و بیانات، ۱۳۸۴/۶/۱۱ و ۱۳۷۱/۰۶/۲۴ و ۱۳۷۲/۱۲/۲۲)

پنجم. مجامع بین‌المللی در مقابل ظلم به ملت‌های مسلمان به وظیفه واقعی خود عمل می‌کنند و ساکت نمی‌نشینند (بیانات، ۱۳۷۱/۰۶/۲۴).

ششم. نکته دیگر اینکه مقام معظم رهبری معتقدند انقلاب اسلامی و جمهوری پیام‌آور و آغازکننده این حرکت به سمت وحدت اسلامی و توجه به امت اسلامی و پرهیز از اختلافات قومی و طایفه‌ای در دنیای اسلام، اسلامی بوده است (بیانات، ۱۳۸۲/۰۶/۱۹ و بیانات، ۱۳۶۸/۰۴/۱۲).

نتیجه آنکه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای ملی‌گرایی را اگر بر اساس گرایش‌های مثبت باشد- بدین معنا که انگیزه‌ای برای اتحاد و همدلی باشد و منجر به نفی دیگران نشود- می‌پذیرند اما اگر ملی‌گرایی به‌عنوان یک ایدئولوژی در جهت تقویت تعصبات و نفی دیگران مطرح شود، مطلوب نبوده و رد می‌شود.

۳-۳. نظریه برتری هویت دینی

با توجه به جایگاه راهبردی ارزش‌های دینی در شکل‌گیری هویت‌ها (نک. افتخاری و کمالی، ۱۳۷۷: ۷۸)، عمده تحلیل‌گران سیاسی و اجتماعی بر ضرورت توجه ویژه به ادیان در مقام شناخت جوامع و مدیریت آنها تاکید دارند؛ به گونه‌ای که حتی مخالفان مکاتب دینی بر کاربرد الگوهای دینی در ته‌اجم فرهنگی اصرار دارند و آنها را روش‌هایی موثر برای نیل به اهداف سلطه‌طلبانه خود می‌دانند (افتخاری و کمالی، ۱۳۷۷: فصول ۳ تا ۵). از این منظر پرسش از نسبت هویت دینی با هویت ناسیونالیستی، موضوعی

مهم به شمار می آید. مقام معظم رهبری در بیانات مختلف خود به نکاتی اشاره کرده‌اند که نشان از برتری هویت دینی در برابر ناسیونالیسم دارد. به‌ویژه آن که ایشان معتقدند در کنار همه شرایط و امکانات، ارتباط با خدا، مهم‌ترین عاملی است که پیشرفت یک ملت را تضمین می‌کند و در فقدان آن، هر نوع دستاورد و پیشرفتی، ممکن است در راه‌های غلطی مثل نبود کردن یک ملت دیگر به کار گرفته شود (بیانات، ۱۳۸۵/۰۸/۱۸). ایشان معتقدند هر ملتی برای رشد و پیشرفت و دفاع از خود باید انگیزه‌ی درونی و معنوی داشته باشد، که در درجه اول، انگیزه‌ی ایمانی و دینی است؛ زیرا انگیزه‌ی حرکت‌ساز است و کشورهایی که فاقد انگیزه‌ی ایمانی هستند مجبورند حس ناسیونالیسم، قوم‌گرایی و یا وطن‌پرستی را تقویت می‌کنند تا شاید بتوانند خلاً آن انگیزه‌ی معنوی را پُر کنند (بیانات، ۱۳۷۹/۰۸/۲۴).

البته بین احساس ناسیونالیستی و ایمان عمیق مذهبی، فرق است. زیرا در نظام اسلامی، رابطه مردم و مسئولین و حمایت دوجانبه آنها از هم و تلاش و مجاهدت‌ها، در راه خدا انجام می‌شود و دارای عمق و کیفیتی است که در هیچ نظام دیگری یافت نمی‌شود (بیانات، ۱۳۶۹/۰۶/۰۱). ایشان شور و نشاطی که ناسیونالیسم به‌وجود می‌آورد، را موقتی و باعث جدایی و تفرقه و نابودی بشر و از نقشه‌های استعمار دانسته و معتقدند در چنین نظامی، مردم درک و تحلیل سیاسی ندارند اما در جامعه‌ی اسلامی، مردم تحلیل سیاسی داشته و با انگیزه پاک الهی مناسبات خود را شکل می‌دهند (بیانات، ۱۳۶۹/۱۱/۲۴ و ۱۳۶۸/۰۹/۲۲).

در دیدگاه ایشان از آن‌جا که ناسیونالیسم موجب علاقه افراطی به یک گروه و نفی دیگران می‌شود یک مرض دل است (بیانات، ۱۳۷۷/۰۷/۲۶) و لذا برخلاف نظر صریح اسلام هر کشور و قومی خود را برتر از دیگران دانسته است و این تفاخر، به جنگ‌های بین‌المللی کشیده می‌شود (بیانات، ۱۳۷۰/۰۴/۱۸). مقام معظم رهبری تأکید می‌کنند ما در روابط بین‌الملل بر نژاد و ناسیونالیسم تکیه نمی‌کنیم و تفاخر کشوری را بر این اساس نمی‌پذیریم. بلکه ما برای خودمان، عزت را بر اساس اعتقاد و ایمان توحیدی قائلیم. ایشان با اشاره به روایت «الاسلام یعلو و لایعلی علیه» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۳۹: ۴۷) و آیه شریفه «لن یجعل الله للکافرین علی المؤمنین سیلاً»^۱ عزت و حکمت و مصلحت را یک مثلث الزامی برای چارچوب ارتباطات بین‌الملل می‌دانند (بیانات، ۱۳۷۰/۰۴/۱۸).

از امتیازات و نقاط قوت دیگر اسلام این است که نه تنها در نگاه اسلامی بین نژادها و ملت‌های گوناگون تفاوتی نیست بلکه در نگاه اسلام، تأکید بر برادری و اتحاد و همدلی و صمیمیت است و هرگونه اختلافی رد می‌شود. بسیاری از شعارها، آداب و احکام اسلامی مثل مراسم حج^۲ یا آداب مربوط به اعیاد اسلامی،^۳ وحدت آفرین و مانعی برای جدایی و تفرقه است (بیانات، ۱۳۸۸/۲/۲۲ و ۱۳۷۵/۱۱/۲۱).

۱. سوره نساء- آیه ۱۴۱

۲. رک: پیام به حجاج بیت‌الله الحرام ۱۳۷۷/۰۱/۱۲

۳. رک: بیانات در دیدار کارگزاران نظام، به مناسبت «عید سعید فطر» ۱۳۷۵/۱۱/۲۱

همچنین شعارهای ناسیونالیسم، محدود به یک قوم است و برای دیگر ملت‌های جهان جاذبه‌ای ندارد و حتی تعارض هم پیدا می‌کند در حالی که اهداف و شعارهای اسلامی دارای کاربردی فراملیتی و جهانی است (بیانات، ۱۳۸۰/۸/۱۲). همچنین ایشان معتقدند امروز تفکرات ناسیونالیستی افراطی در دنیا کهنه شده و جاذبه‌ای ندارد. اما اسلام و شعارهای اسلامی همچنان زنده و جذاب خواهد بود (بیانات، ۱۳۸۴/۱۰/۱۹). در مجموع مقام معظم رهبری معتقدند انواع مختلف احساسات ناسیونالیستی به نوعی دارای ضعف بوده و در عمل آفاتی را در پی خواهند داشت، اما آن احساسی که این کاستی را ندارد، احساس دینی و احساس حضور در مقابل پروردگار عالم است. این احساس حضور الهی لازم است، تا انسان کارایی و احساس قدرت پیدا کند و احساس خستگی نکند (بیانات، ۱۳۷۰/۱۱/۰۲). جهت تایید این معنا ایشان به موضوع مهم اشغال فلسطین اشاره داشته و بر این اعتقادند که جریان‌های ناسیونالیستی نه تنها این مشکل را حل نکرده اند بلکه قراردادهای ننگینی نیز توسط آنها امضاء شده که نشان می‌دهد آنها از حل این موضوع عاجزند: «ناسیونالیسم و قومیت‌گرایی نمی‌تواند مشکلات بزرگ را حل کند. این مسائل را اسلام باید حل کند و به فضل الهی، حل خواهد کرد.» (بیانات، ۱۳۷۲/۰۶/۲۵) در دیدگاه مقام معظم رهبری بنای دنیا بنای استکباری است و تنها راه علاج این نابسامانی‌ها دین اسلام است نه ناسیونالیسم؛ چرا که نه تنها ملت‌های دیگر، حتی ادیان دیگر هم آن نظام ارزشی را که با آن بشود یک جامعه را اداره کرد، ندارند. به همین علت است که ایشان تأکید می‌کنند:

«ملت‌های مسلمان باید امروز بزرگ‌ترین وظیفه‌ی خودشان را بازگشت به اسلام و حاکمیت آن بدانند. این، عزیزترین و فوری‌ترین و بزرگ‌ترین و مؤثرترین هدفی است که امروز ملت‌های مسلمان می‌توانند دنبال کنند؛ علاجی هم جز این نیست» (بیانات، ۱۳۶۹/۱۱/۲۴).

بر این اساس مشخص می‌شود که در اندیشه مقام معظم رهبری روایتی متمایز از ناسیونالیسم متعارف و سکولار وجود دارد؛ روایتی که حکایت از تفاوت مبنایی، معرفتی و کارکردی ناسیونالیسم در دو مکتب اسلام و لیبرال دموکراسی سکولار دارد. در جدول شماره ۱ این تمایزات دسته بندی و برجسته شده است:

جدول شماره ۱: نسبت اسلام و ناسیونالیسم در اندیشه حضرت آیت الله خامنه‌ای

ایدئولوژی اسلامی	ایدئولوژی ناسیونالیستی	بعد (وجه تمایز)
اصالت شریعت و عدالت برابری همه انسان‌ها و اصالت نداشتن نژاد و قومیت. دعوت به دور ریختن انگیزه‌های تفرقه‌ی بین انسان‌ها	حاکمیت تفکر نژادی، اصالت خون و رنگ نژادپرستی و نفی ملل و اقوام دیگر	مبانی معرفتی
حرام و ممنوع	جایز و مباح	استعمار، استثمار، تجاوز، غضب و غارت اموال ملل و اقوام دیگر
انسان موجودی دو ساختی (مادی و معنوی)	انسان موجودی تک‌ساختی (دنیایی و مادی)	نگاه به انسان
توجه متعادل به دنیا و آخرت و رشد و تعالی همه انسان‌ها و سعادت جامعه بشری (معنویت‌گرایی)	آبادانی و پیشرفت بعد مادی و دنیایی زندگی یک قوم یا ملت (مادی‌گرایی و دوری از معنویت)	کانون توجه و هدف
اعلام موضع صریح و علنی در برابر ظالمان بین‌المللی و مستکبران عالم و مبارزه با ظلم و تبعیض در دنیا (رویکرد فعال و تهاجمی)	بی‌تفاوتی و سکوت در برابر جنایات، ظلم‌ها و کشتار انسان‌ها در دنیا (عاقبت‌طلبی و انفعال)	موضع در برابر ظلم و قدرت‌های استکباری
اسلام؛ تنها راه علاج این نابسامانی‌ها	بدون راه علاج برای این نابسامانی‌ها	
وسیله	هدف	نگاه به ثروت، قدرت و علم (پیشرفت)
عشق به معنویت و ارتباط با خدا، پیشرفت یک ملت را به معنای واقعی تضمین می‌کند	با فقدان دین، پیشرفت در راه‌های غلطی مثل نابود کردن یک ملت دیگر به کار گرفته شود.	
نفی ضد ارزش‌ها و رشد اخلاق و معنویت	ایجاد ضد ارزش‌ها، فساد، فحشا و انحطاط اخلاقی	
آزادی همه انسان‌ها و ملت‌ها	اسارت انسان‌ها و ملت‌ها	آثار و پیامدها
عزت و تکریم همه انسان‌ها و ملت‌ها	تحقیر و نفی انسان‌ها و ملت‌های دیگر	
حفظ عزت، استقلال سیاسی، اقتصادی و قدرت تصمیم‌گیری کشورها	وابستگی، دنباله‌روی و ذلت سایر کشورها	
ایجاد عزت، اتحاد و هم‌دلی	تنافس و تفاخر، اختلاف و ایجاد جنگ‌های بین‌المللی و نابودی انسانها	



رابطه و حمایت دوجانبه عمیق و دائمی و تلاش و مجاهدت‌ها، در راه خدا انجام می‌شود. با درک و تحلیل سیاسی	روابط کم عمق و مقطعی و احساسی و بدون درک و تحلیل سیاسی	رابطه بین مردم و مسئولین (نظام سیاسی)
انگیزه‌ی ایمانی و دینی حرکت ساز و دائمی	حسّ ناسیونالیزم و قوم‌گرایی و وطن‌پرستی. احساسی و موقت	انگیزه‌ی درونی و معنوی حرکت‌ساز
احساس حضور در مقابل پروردگار عالم درای ضعف نیست. و در انسان ایجاد قدرت می‌کند	در جاهایی دارای ضعف هستند	
دارای نظام ارزشی برای اداره جامعه و جهان مشکلات بزرگ و اساسی را حل خواهد کرد	فاقد نظام ارزشی برای اداره جامعه و نمی‌تواند مشکلات بزرگ را حل کند	اداره جامعه
اهداف و شعارهای اسلامی همچنان زنده است و دارای کاربردی فراملیتی و جهانی است	محدود به یک قوم و ملت است، کهنه شده و برای دیگر ملت‌های جهان جاذبه‌ای ندارد	محدوده و جذابیت اهداف و شعارها
ایمان و تعبد و فداکاری بر اساس احساس معنوی دینی	درای احساسات ناسیونالیستی و غیر دینی	ارتش و نیروهای نظامی
دارای هدف‌های والای انسانی و الهی و مقدس	هدفشان به هدف‌های ناسیونالیستی و قومی محدود می‌شود.	
اجزاء گوناگون، یکدیگر را تکمیل کنند	فرصت	تنوع اقوام در یک جامعه
با ایجاد رقابت در جهت آرمان‌های ملی و اسلامی، گام‌های بلندی برداشته خواهد شد و استعداد‌های زیادی شکوفا خواهد		
ارتباط و اتصال خانوادگی و فامیلی و رجم، یک نقطه‌ی مثبت و فضیلت است.	قوم و خویش دوستی بی‌حد و حصر و افراطی و یک مرض دل است	

۴. هویت ملی و اقتدار

تأکید بسیار زیاد مقام معظم رهبری در بیانات مختلف بر حفظ و تقویت هویت ملی حاکی از اهمیت بحث هویت ملی در دیدگاه ایشان است:

«آنچه را که من امروز به عنوان یک تکلیف برای جامعه جوان کشور حس می‌کنم، این است که جوانان باید از سرمایه هویت ملی و جمعی کشور، با همه وجود و همّت خود دفاع کنند» (بیانات، ۱۳۸۰/۰۸/۱۲).

ایشان، به قدری برای هویت ملی اهمیت قائلند که به اساتید دانشگاه توصیه می‌کنند در کنار تقویت ایمان به خدا باید ایمان به هویت ملی را نیز در جوانان تقویت کرد و تعصبات ملی و این پابندی‌ها را برای شخصیت و هویت انسان لازم می‌دانند (بیانات، ۱۳۸۲/۲/۲۲). دلایل اهمیت بسیار زیاد بحث هویت ملی در دیدگاه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، عبارتند از:

الف. هویت ملی، اساس هر پیشرفتی است

«اگر کشوری از لحاظ ملی، یک کشور بی‌هویتی بود این کشور مطلقاً پیشرفت نخواهد کرد و پیشرفتی که بر اساس تقلید و یا با باختن هویت مستقل ملی همراه باشد، پیشرفت نیست» (بیانات، ۱۳۸۵/۰۸/۱۸).

ب. هویت ملی ارزش دفاعی دارد

ایشان ملی‌گرایی و علاقه به ملت و کشور را برای دفاع از کشور و ملت ضروری می‌دانند (بیانات، ۱۳۷۸/۰۸/۱۲ و ۱۳۶۸/۰۷/۰۵ و ۱۳۷۹/۰۸/۲۴)

ج. بحران هویت؛ عامل ذلت و شکست ملت‌ها است

مقام معظم رهبری در بیانات خود از خطرات و آسیب‌های خودفراموشی یاد کرده و آن را به دو نوع سیاسی و اخلاقی تقسیم می‌کنند. از نظر اخلاقی این است که انسان از هویت و هدف وجود و باطن و دل و روح خود غفلت کند و دچار فراموشی شود که موجب فساد می‌شود. در ادبیات سیاسی، خودفراموشی یعنی فراموش کردن هویت خود، و اینکه قوم و ملتی هویت و تاریخ و فرهنگ و زبان خود را فراموش کنند؛ که چیز خیلی بدی است و نتیجه‌ی آن، ذلت و بدبختی این قوم خواهد بود (بیانات، ۱۳۸۰/۰۹/۲۱ و ۱۳۸۱/۰۷/۰۳).

د. استکبار در پی ایجاد بحران هویت است

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای معتقد است اولین اقدام قدرت‌های استکبار پس از ورود به یک کشور این است که هویت ملی آن ملت را انکار می‌کنند و افکاری را در میان آن ملت ترویج می‌کنند که به گونه‌ای بیندیشد که آنها می‌خواهند. سپس تمام منافع و امور آن ملت را در مشت خود می‌گیرند. مقام معظم رهبری، این روش را یک ابزار بسیار رایج دانسته و از آن تحت عنوان «تئوری‌سازی استعماری» یاد می‌کند چرا که اگر یک ملت را از هویت و فرهنگش جدا کنند و آن ملت احساس هویت و شخصیت نکند به راحتی او را به نوکری و بردگی می‌گیرند و کاملاً وابسته و ذلیل می‌شود. ایشان معتقدند استعمارگران این کار را در ایران و در کشورهای دیگر دنیا و در دوره‌های مختلف انجام داده‌اند (بیانات، ۱۳۷۹/۱۲/۹ و ۱۳۸۷/۰۲/۱۶ و ۱۳۷۸/۰۸/۱۲).

«اگر یک ملت را از هویت و فرهنگش جدا کردند این ملت آماده خواهد شد که هرچه می‌خواهند بر سرش بیاورند. این ملت دیگر جان پیدا نمی‌کند و استکیار می‌تواند او را به کارهای پست وادار کند و از او نوکری بی‌مزد و منت بگیرد (بیانات، ۱۳۷۹/۰۸/۲۴).

با توجه به همین نکته است که ایشان تأکید می‌کنند تسلط فرهنگی از تسلط اقتصادی و سیاسی هم خطرناک‌تر است. زیرا معتقدند وقتی یک ملت بر ملت دیگر تسلط فرهنگی پیدا کرد، هویت ملتی که زیر سلطه است، از بین می‌رود (بیانات، ۱۳۸۷/۰۲/۱۶).

۵. بنیاد هنجاری هویت ملی

با تحلیل بیانات حضرت آیت‌الله خامنه‌ای می‌توان دریافت در دیدگاه ایشان، هنجارها اساسی‌ترین و مهم‌ترین عنصر تشکیل دهنده هویت ملی هستند. دو منبع اصلی در این خصوص عبارتند از:

الف. فرهنگ

فرهنگ مهم‌ترین شاخصی است که ملت‌ها به آن شناخته شده و از ملل دیگر متمایز می‌شوند. همچنین فرهنگ مهم‌ترین عاملی است که تعیین‌کننده سرنوشت ملت‌ها است (بیانات ۱۳۸۳/۰۲/۲۸ و ۱۳۷۵/۹/۲۰). «هویت ملی با فرهنگ شکل می‌گیرد. هویت هر ملتی، فرهنگ اوست» (بیانات، ۱۳۷۷/۱۱/۱۳). ایشان به قدری در ایجاد هویت ملی، فرهنگ و عناصر فرهنگی را مقوله‌ای مهم و اساسی می‌دانند که حتی می‌توان ادعا نمود: رکن اصلی هویت ملی را فرهنگ می‌دانند: «این را به‌عنوان یک اصل موضوعی بپذیریم که فرهنگ یک جامعه، اساس هویت آن جامعه است» (بیانات، ۸۳/۱۰/۰۸).

البته هر کشوری خصوصیتی دارد و ممکن است این خصوصیات وابسته به جغرافیا، اقلیم و یا عوامل گوناگون دیگری نیز باشد؛ به همین دلیل مقام معظم رهبری معتقدند: «بخشی از فرهنگ یک ملت، از اقلیم، آب و هوا، از موقعیت جغرافیایی، از جغرافیای سیاسی سرچشمه می‌گیرد» (بیانات، ۱۳۹۰/۳/۲۳). اما ایشان تأکید می‌کنند که اینها ذاتی نیست بلکه مربوط به تربیت‌هاست و قابل تغییر هستند. لذا ما باید خصال خوبی که در ملت‌های دیگر وجود دارد را شناسایی کرده و از طریق فرهنگ و تربیت در ملت خود ایجاد کنیم (بیانات، ۱۳۷۵/۹/۲۰ و ۱۳۸۸/۱۱/۱۳). این نظریه که دلالت بر اهمیت راهبردی فرهنگ در حیات اجتماعی انسان دارد، امروزه پیروان بسیاری داشته و شاهد ظهور نحل‌های از متفکران هستیم که از فرهنگی شدن پدیده‌ها به عنوان گفتمان غالب قرن بیست و یکم یاد می‌نمایند (افتخاری، ۱۳۸۹: فصل ۶). به عبارت دیگر می‌توان چنین اظهار داشت که مقام معظم رهبری بر نظریه فرهنگی شدن هویت با محوریت ارزشهای دینی، تأکید دارند.

ب. ارزش‌های دینی

علت اساسی اهمیت فرهنگ در دیدگاه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، مربوط به خاستگاه دینی اندیشه ایشان است. ایشان فرهنگ را مهم می‌دانند چرا که هدف پیامبران اصلاح فرهنگ است:

«ملاحظه می‌کنید که اساس هدف پیغمبران در تفکر اسلامی «و یزکیهم و یعلّمهم الكتاب و الحکمۀ» است؛ یعنی تزکیه و تعلیم. همه چیز مقدمه برای این مسأله است؛ لذا مقوله‌ی فرهنگ مقوله‌ی بسیار مهمی است» (۸۲/۱۰/۲۳)

ایشان مهمترین عنصر فرهنگ را دین دانسته و معتقدند «اگر پایه‌های فرهنگی بخواهد مستحکم شود، شرط اصلی این است که ایمان مردم به دین و موارث فرهنگ خودشان روز به روز استحکام پیدا کند و تضعیف نشود» (بیانات، ۱۳۸۱/۰۳/۰۷). ایشان هیچگاه ملیت و دین را در مقابل هم قرار نمی‌دهند و دین را یکی از ارکان اساسی فرهنگ و هویت ملی می‌دانند (بیانات، ۱۳۸۵/۰۸/۱۸). در اندیشه مقام معظم رهبری فرهنگ هر ملتی، هویت آن ملت را شکل می‌دهد، اما هویتی مطلوب و ارزشمند است که بر اساس فرهنگ دینی و اسلامی و تقوا شکل گرفته باشد. به طوری که «آرمان‌های معنوی و اخلاقی، زندگی یک ملت را جهت‌دار می‌کند... و برای انسان هویت می‌سازد» (بیانات، ۱۳۸۱/۰۷/۱۷). ایشان جامعه بدون تقوا و بدون دین را بی‌هویت دانسته و تأکید می‌کنند ملت‌ها بر اثر انقطاع از دین دچار سرگردانی و ذلت می‌شوند (بیانات، ۱۳۹۱/۳/۳). ایشان تأکید می‌کنند ملت‌ها می‌توانند با تکیه بر اسلام و ایمان اسلامی امتحان و سختی را با موفقیت و افتخار به پایان برسانند (بیانات، ۱۳۶۹/۰۶/۰۴). تقوا همچنین باعث مقاومت و ایستادگی و پیروزی و عزت در مقابل دشمنان خواهد شد و حتی تمام مشکلات بزرگ دنیای اسلام، می‌تواند با باور و اعتقاد به خدای بزرگ و باور وعده‌ی نصرت الهی، حل شود (بیانات، ۱۳۷۹/۰۷/۲۹ و ۱۳۷۲/۰۶/۲۵ و ۱۳۸۵/۰۳/۱۴). به این ترتیب مشخص می‌شود که مقولات دینی صرفاً ارزش فردی ندارند و در دیدگاه مقام معظم رهبری این ارزش‌ها و هنجارها کارکرد ملی هم دارند (نک. جدول شماره ۲). به همین دلیل است که ایشان تأکید می‌کنند:

«هر عامل و هر مبلغی که پایه‌ی این ایمان را سست کند آن هدف پلید را دنبال می‌کند؛ یعنی با عزت ملی، با افتخار ملی و باسعادت ملت به مقابله می‌پردازد» (بیانات، ۱۳۷۹/۰۸/۱۱).

جدول ۲: آثار و نتایج ارزش‌های دینی در سطح ملی

۱.	نازل شدن برکات، رحمت، لطف و کمک الهی بر آن جمعیت (بیانات، ۱۳۶۸/۰۷/۲۱ و ۱۳۹۰/۲/۳ و ۱۳۹۱/۳/۳).
۲.	آرمان‌های معنوی و اخلاقی، زندگی یک جامعه و یک کشور و یک ملت را جهت‌دار می‌کند؛ به تلاش و مبارزه‌ی آن‌ها معنا می‌دهد برای انسان هویت می‌سازد (بیانات، ۱۳۸۱/۰۷/۱۷).
۳.	موفقیت و پیروز شدن ملت هنگام آزمایش و سختی (۱۳۶۹/۰۶/۰۴ و ۱۳۸۸/۰۴/۲۹).
۴.	ایجاد عزت و قدرت و بزرگواری (بیانات، ۱۳۸۸/۰۴/۲۹ و ۱۳۹۱/۳/۳) و ایجاد اعتماد به نفس و دوری از یأس و ناامیدی. (۱۳۹۲/۳/۱۴)
۵.	ایجاد و حفظ روح نشاط اسلامی در جامعه (بیانات، ۱۳۶۸/۰۸/۰۳)
۶.	ملت دارای حکمت و بصیرت می‌شوند و به تبع آن اعتماد و اطمینان به پیروزی در مقابل دشمنان ایجاد می‌شود (بیانات، ۱۳۶۹/۰۶/۲۹).



۷.	انسان وقتی که با خدا رابطه برقرار می‌کند سلطه‌ی عظیم و اقتدار معنوی می‌یابد، که حتی بر علل و عوامل تردیدناپذیر عالم مآذ هم غلبه پیدا می‌کند (بیانات، ۱۳۷۲/۰۶/۲۵).
۸.	تمام مشکلات بزرگ دنیای اسلام، حل می‌شود (بیانات، ۱۳۷۲/۰۶/۲۵).
۹.	ملت توانایی ایستادگی و مبارزه پیدا می‌کند و هیچ ملتی جز به وسیله‌ی ایستادگی و مبارزه نمی‌تواند شرف خود و هویت خود و استقلال خود را به دست آورد (بیانات، ۱۳۷۹/۰۷/۲۹).

با تحلیل بیانات مقام معظم رهبری روشن می‌شود مهم‌ترین عنصر و رکن هویت ملی، دین و اعتقادات است. اینکه تأکید می‌کنند اساس هویت یک ملت فرهنگ است؛ منظور فرهنگی است که بر اساس اعتقادات اسلامی شکل گرفته باشد. در دیدگاه ایشان، حتی در ملی‌گرایی، اصل اولیه با انگیزه‌ی ایمانی و دینی است که انگیزه‌ای حرکت‌ساز است و کشورهایی که فاقد انگیزه‌ی ایمانی هستند مجبورند حس ناسیونالیسم و قوم‌گرایی و وطن‌پرستی را تقویت کنند تا شاید بتوانند خلأ آن انگیزه‌ی معنوی را پُر کنند (بیانات، ۱۳۷۹/۰۸/۲۴).

۶. شاخصه‌های هویت ملی

مقام معظم رهبری در تعریف مفهوم هویت ملی، علاوه بر فرهنگ به عناصر دیگری نیز اشاره کرده‌اند. در مجموع، ایشان معتقدند هویت ملی هر ملت، یک هویت جمعی است که از مجموعه‌ی فرهنگ، اعتقادات و دین، استقلال، عزت، حکومت، تاریخ، خواست‌ها، آرزوها و آرمان‌های اساسی و اصولی و رفتارهای آن ملت تشکیل شده است (بیانات، ۱۳۸۵/۸/۱۸، ۱۳۷۸/۸/۱۲، ۱۳۷۹/۷/۶ و ۱۳۹۰/۲/۱۰). اگر به تعریف‌هایی که ایشان از فرهنگ کرده‌اند دقت کنیم، می‌بینیم که ایشان فرهنگ را مجموعه‌ای می‌دانند که عناصر فوق را نیز شامل می‌شود؛ لذا این عناصری که ایشان برای هویت ملی بیان می‌کنند، جدا و خارج از فرهنگ نیست و به عبارتی ایشان در تعریف هویت ملی، از عناصر فرهنگی که در ایجاد هویت ملی نقش بیشتری دارند، نام می‌برند و یا شاخصه‌های هویت ملی را ذکر می‌کنند که هویت یک ملت بیشتر با این شاخصه‌ها شناخته می‌شود:

«در حقیقت فرهنگ است که هویت و شاکله‌ی معنوی یک ملت را معین می‌کند. طبعاً این فرهنگ، شاخص‌های مصداقی دارد. شاخص‌های مصداقی‌اش عقاید است، اخلاق است، آداب است، رفتارهای اجتماعی است، رفتارهای فردی است، خلقیات و خصال ملی است؛ اینها شاخص‌های آن هویت معنوی است. از روی این شاخص‌ها میتوان کشف کرد و شناخت که این ملت هویتش چیست، شاکله‌ی معنوی‌اش چیست، شخصیت این ملت کدام است» (بیانات، ۱۳۹۰/۳/۲۳).

می‌توان در دیدگاه مقام معظم رهبری، مهم‌ترین شاخصه‌های هویت ملی (عناصری که یک ملت بیشتر با آنها شناخته می‌شود) را به شرح ذیل برشمرد:

اول. تاریخ و موارد تاریخی

«فرهنگ یک ملت همچون ذره‌های الماس است که در طول تاریخ شکل می‌گیرد و استحکام پیدا می‌کند» (بیانات، ۱۳۷۳/۸/۱۱).

دوم. علم و دانش

«حقیقتاً کشوری که دستش از علم تهی است، نمی‌تواند توقع عزت، توقع استقلال و هویت و شخصیت، توقع امنیت و توقع رفاه داشته باشد» (بیانات، ۱۳۸۶/۰۶/۱۲).

سوم. خصال ملی

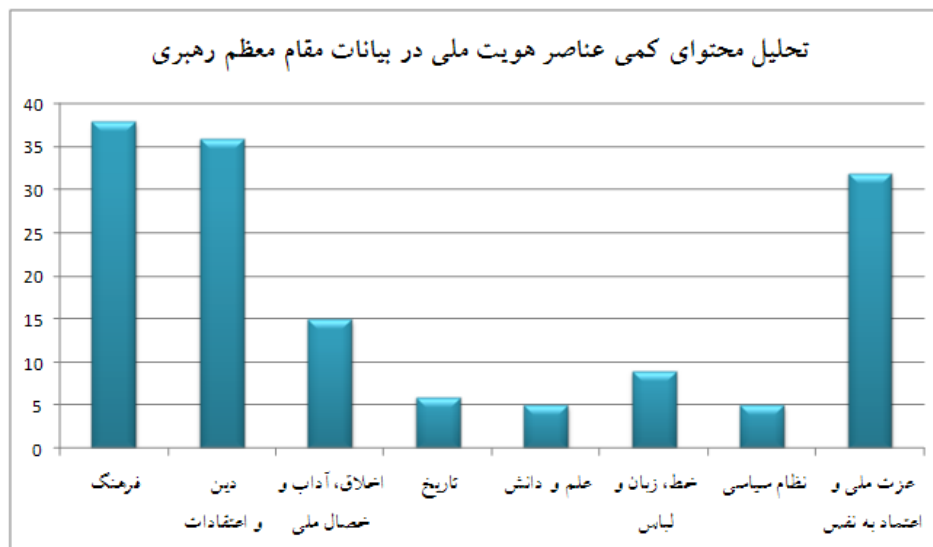
در دیدگاه مقام معظم رهبری هر ملتی ممکن است تحت تاثیر عوامل مختلف به خصلت‌هایی مشهور شود، البته تأکید می‌کنند اینها ذاتی و دائمی نیست و قابل تغییر هستند (بیانات، ۱۳۷۵/۹/۲۰ و ۱۳۸۸/۱۱/۱۳). حتی گاهی بخشی از این خصال و یا فرهنگ ملی از اقلیم، آب و هوا، موقعیت جغرافیائی و یا جغرافیای سیاسی سرچشمه می‌گیرد» (بیانات، ۱۳۹۰/۳/۲۳).

چهارم. خط و زبان

در دیدگاه مقام معظم رهبری زبان و خط یک کشور یکی از نقاط برجسته و از شاخص‌های مهم فرهنگی هر کشور است (بیانات، ۱۳۸۳/۰۲/۲۸). ایشان برای خط و زبان اهمیت ویژه‌ای قائلند و می‌فرمایند: «هویت ملی ما به زبان و خط ماست» (بیانات، ۱۳۸۵/۵/۲۳) ایشان زبان را کانال عمده‌ی انتقال فرهنگ می‌دانند که لباس، آداب، دین، عقاید و باورهای اجتماعی را منتقل می‌کند. لذا امروز قدرتهای جهانی، که می‌خواهند فرهنگ خودشان را منعکس و منتقل کنند تلاش می‌کنند که زبان خودشان را در دنیا رایج کنند» (بیانات، ۱۳۷۲/۵/۱۲).

پنجم. اعتماد به نفس ملی

ایشان یکی از شاخص‌های مهم پیشرفت یک ملت، را عزت ملی و اعتمادبه‌نفس ملی می‌دانند (بیانات، ۱۳۹۱/۷/۲۲). با تحلیل محتوای کیفی بیانات مقام معظم رهبری دریافتیم که در دیدگاه ایشان سه عنصر فرهنگ، دین و عزت ملی، مهم‌ترین عناصر و مؤلفه‌های هویت ملی بوده و دارای جایگاه ویژه‌ای هستند. در دیدگاه ایشان یک ملت بیش از هر چیزی با این سه عنصر شناخته می‌شود و یا هویت ملی خود را می‌سازد. تحلیل کمی بیانات ایشان در موضوع هویت ملی نیز بیانگر این اهمیت است. از مجموع بیاناتی که با موضوع هویت ملی جمع‌آوری و کدگذاری گردید، حجم بیانات مربوط به این سه عنصر به مقدار قابل توجهی نسبت به عناصر دیگر بیشتر است (نک. نمودار شماره ۲).



نمودار ۲

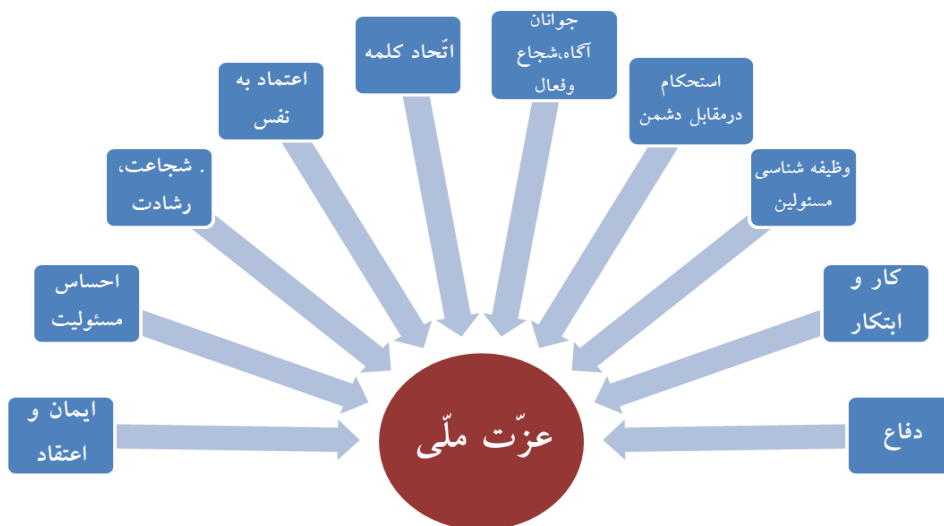
۷. بایسته های هویت ملی

در اندیشه مقام معظم رهبری، هویت ملی مطلوب و مورد پسند آن است که منجر به ایجاد عزت ملی شود. در دیدگاه ایشان عزت ملی عبارت است از اینکه یک ملت وقتی به درون خود و به داشته‌های خود - به سرمایه‌های خود، به تاریخ و موارث تاریخی خود، به آداب و سنن خود، به زبان و الفبای خود، به مفاخر و بزرگان خود و به موجودی انسانی و فکری خود- نگاه می‌کند، احساس عزت و غرور کند. نقطه‌ی مقابل احساس عزت، احساس حقارت، ذلت است، که ملت به داشته‌های خود به چشم حقارت نگاه کرده، آن‌ها را کوچک شمرده و احساس می‌کند از خودش چیزی ندارد. استعمارگران نیز برای اینکه بتوانند ملت-ها را اسیر خود بکنند، دین و فرهنگ و تاریخ آنان را تحقیر کرده و آن‌ها را نسبت به هویت خود بدبین می‌کردند (بیانات، ۱۳۸۸/۰۲/۲۲). مقام معظم رهبری مصادیق و ابعاد عزت ملی را در عرصه‌های مختلف تبیین کرده‌اند که در نمودار شماره ۳ قابل مشاهده است؛



نمودار ۳: ابعاد عزت ملی

در اندیشه مقام معظم رهبری برای اینکه یک ملت بتواند به اقتدار ملی و آرمان‌های بزرگ معنوی و دنیایی، دست پیدا کند ضروری است ویژگی‌هایی را در هویت ملی خود به وجود بیاورد که برخی از این عناصر و شرایط عبارتند از: ایمان، احساس مسئولیت، شجاعت، اعتماد به نفس، پشتکار و تلاش (رک:بیانات، ۱۳۷۹/۰۸/۱۱). در یک کلام می‌توان این مداخل را در نمودار شمار ۴ به‌عنوان منظومه فکری مقام معظم رهبری در بحث معرفی یک هویت سازنده و بالنده به نمایش گذارد



نمودار ۴: عناصر ایجاد عزت ملی
در اندیشه مقام معظم رهبری

نتیجه‌گیری

مقام معظم رهبری، هویت‌های مختلف ملی و قومی را به رسمیت می‌شناسد و البته معتقدند در نگاه اسلامی، بین نژادهای مختلف، تفاوتی نیست، لذا ملی‌گرایی و ناسیونالیسم تا زمانی که انگیزه‌ای برای اتحاد و همدلی است و منجر به نفی دیگران نمی‌شود، مود تأیید اسلام، محترم و مقدس است. اما اگر بر اساس گرایش‌های منفی، به‌عنوان یک مکتب و ایدئولوژی، مانند نژادپرستی در جهت تقویت تعصبات نابجا و نفی دیگران مطرح شود مورد تأیید اسلام نیست. ایشان برای همه مسلمانان علاوه بر هویت ملی و فرقه‌ای، هویتی کلان‌تر و فراملیتی، به نام امت اسلامی قائلند؛ که براساس آرمان‌ها و اهداف مشترک دنیای اسلام شکل می‌گیرد. هویت‌های دیگر نیز تا حدی مورد قبول است که در تضاد با این هویت اسلامی قرار نگیرد.

ایشان مهم‌ترین و اصیل‌ترین عنصر و رکن هویت ملی، را فرهنگ و به‌عبارت دقیق‌تر دین و اعتقادات می‌دانند. در اندیشه مقام معظم رهبری فرهنگ هر ملتی، هویت آن ملت را شکل می‌دهد، اما هویتی مطلوب و ارزشمند است که بر اساس فرهنگ دینی و اسلامی و تقوا شکل گرفته باشد. به‌طوری‌که آرمان‌های معنوی و اخلاقی، برای انسان هویت می‌سازد. ایشان عناصر دیگر مانند جغرافیا، زبان، تاریخ، حکومت و... را در مبادی تکوین یک ملت موثر می‌دانند ولی برای آنها نقش ذاتی، اساسی و همیشگی

قائل نیستند. مقام معظم رهبری، خودفراموشی سیاسی یا فراموش کردن هویت ملی را موجب ذلت و بدبختی ملت می‌دانند. لذا در اندیشه ایشان هویت ملی مطلوب و مورد پسند آن است که منجر به ایجاد عزت ملی شود.

در دیدگاه مقام معظم رهبری بنای دنیا بنای استکباری است و استکبار با نفی و تحقیر هویت ملت‌ها و ایجاد و تقویت اختلاف‌های قومی و فرقه‌ای تلاش می‌کند بر ملت‌ها مسلط شود. ایشان تنها راه علاج این ناسامانی‌ها را دین اسلام دانسته و این اندیشه که با تقویت ناسیونالیسم و حس ملیت می‌توان در مقابل قدرت‌های استکباری قرار گرفت را غلط دانسته و معتقدند ناسیونالیسم نه تنها برای مبارزه با استکبار مفید نیست، بلکه به بقای آن نیز کمک می‌کند و لذا ایشان تأکید می‌کنند «ملت‌های مسلمان باید امروز بزرگ‌ترین وظیفه‌ی خودشان را بازگشت به اسلام و حاکمیت آن بدانند. این، عزیزترین و فوری‌ترین و بزرگ‌ترین و مؤثرترین هدفی است که امروز ملت‌های مسلمان می‌توانند دنبال کنند؛ علایجی هم جز این نیست» (بیانات، ۱۳۶۹/۱۱/۲۴).

منابع

- قرآن کریم
- خامنه‌ای، سیدعلی، نرم‌افزار حدیث ولایت: مجموعه رهنمودهای مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای، تهران: دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای (مدظله العالی).
- بیانات حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای (مدظله العالی) در سایت khamenei.ir
- احمدی، حمید (۱۳۸۶)، «هویت و قومیت در ایران»، در: *هویت در ایران*. تهران: جهاد دانشگاهی.
- احمدی، حمید (۱۳۸۸)، *بنیادهای هویت ملی ایرانی؛ چهارچوب نظری هویت ملی شهروند محور*. تهران: پژوهشگاه مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- اشرف، احمد (۱۳۸۳)، «بحران هویت ملی و قومی در ایران»، در: *حمید احمدی، ایران، هویت، ملیت، قومیت* (مجموعه مقالات) (۱۳۸۳)، تهران: مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
- افتخاری، اصغر (۱۳۸۹) «سیاست خارجی و هویت فرهنگی: پیوندها و اهداف»، در: *اصغر افتخاری (به اهتمام)، مطالعات بین رشته‌ای در سیاست، دین و فرهنگ*. تهران: دانشگاه امام صادق علیه السلام.
- افتخاری، اصغر و کمالی، علی اکبر (۱۳۷۷)، *رویکرد دینی در تهاجم فرهنگی*. تهران: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی - وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- افتخاری، اصغر (۱۳۸۳) *اقلیت گرایی دینی*. تهران: انتشارات تمدن ایرانی.
- افتخاری، اصغر (۱۳۸۹) «سیاست خارجی و هویت فرهنگی: پیوندها و اهداف»، در: *اصغر افتخاری (به اهتمام)، مطالعات بین رشته‌ای در سیاست، دین و فرهنگ*. تهران: دانشگاه امام صادق علیه السلام.
- افروغ، عماد، *هویت ایرانی*. تهران، موسسه دانش و پژوهش، ۱۳۸۰.

- تاجیک، محمدرضا (۱۳۷۹)، «فرهنگ هویت ایرانی»، فصلنامه مطالعات ملی، شماره ۴ (تابستان).
- جنکینز، ریچارد (۱۳۸۱)، *هویت اجتماعی*، ترجمه تورج یاراحمدی، تهران: شیرازه.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۳)، *لغتنامه دهخدا*، جلد ۱۴، دوره جدید، تهران: دانشگاه تهران.
- زهیری، علیرضا (۱۳۸۹)، *جمهوری اسلامی و مسئله هویت ملی*، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- فوزی تویسرکانی، یحیی (۱۳۸۵)، *امام خمینی و هویت ملی*، تهران مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- مجتهد زاده، پیروز (۱۳۷۷)، «هویت ایرانی در آستانه سده بیست و یکم»، *اطلاعات سیاسی و اقتصادی*، خرداد و تیر ۱۳۷۷ - شماره ۱۲۹ و ۱۳۰.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳)، *بحارالانوار*، بیروت: مؤسسه الوفاء.
- معین، محمد (۱۳۶۳)، *فرهنگ فارسی*، ج ۴، تهران: سپهر.
- میرمحمدی، داود (۱۳۸۳)، *هویت ملی در ایران*، تهران: موسسه مطالعات ملی.